

نگوهِش تنبیه بدنی زن در اسلام

بررسی فقهی - کلامی

محمد بزرگ خسروی



قاضی دادگاه فرانکفورت با صدور حکمی علیه یک زن مسلمان که از سوی همسر خود مورد ستم و ضرب زدن گرفته بود، به آیه ای از قرآن استناد نمود. (سایت emam.mahdi.com) در اروپا "جمعیت زنان کتک خورده" تاسیس شده که به دفاع و چاره جویی می پردازد. در فرانسه دو میلیون زن از شوهران خود کتک خورده اند. یعنی یک چهارم شمار زنان. (کاتالان دوم تلویزیون فرانسه، به نقل از مجله پیام زن، شماره ۱۶۰). مفتی عربستان سعودی با استناد به آیه ۳۴ سوره نساء فتوایی مبسوطی صادر کرد و زن زدن را حلال می نامد.

در قرآن که منبع اصلی اسلام است عبارت "واضربوهن" (سواء ۳۴) مورد مناقشه قرار گرفته است. برخی این عبارت را با این استدلال که ظهور در زدن زن دارد، مجوزی برای کتک زدن زنان در نظر گرفته اند و در نتیجه اسلام را دینی ضد حقوق بشر و ضد حقوق زنان معرفی می کنند. در این مقاله بر آن شدید تا با رویکرد تفسیری - فقهی به بررسی این مسئله در منظر علمای شیعه بپردازیم.

کلید واژه: زدن زن، قرآن، حقوق زن، خانواده، تنبیه بدنی زنان.

مقدمه: تنبیه بدنی زن از پدیده های اجتماعی، بدون محدودیت زمانی و مکانی است؛ در فرانسه شماره تلفنی در اختیار بانوان قرار گرفته تا به طور رسمی از آنان حمایت کند. تنبیه بدنی بانوان، ریشه بشری داشته، در شمار بیماری های اجتماعی و ناهنجاری های روانی است. طبق آخرین آمارها یک سوم زنان در جهان از مردان خود کتک می خورند. اما آنچه مایه تعجب است این است که، خداوند متعال که در قرآن توصیه به رفتار نیکو با سایر انسان ها و مومنین و خصوصا زنان نموده است و حتی در هنگام طلاق دستور به رفتار "معروف" با زنان می دهد (بقره / ۲۳۱ و ۲۳۲) چگونه مجوز کتک زدن زنان را اشتهاء نموده است؟! شخصیت و مقام زن در اسلام:

اسلام، اولین مکتبی است که را به عنوان متمم حیات انسانی در مسائلی اجتماعی و اخلاقی و قانونی خود جا داده است (قرآن و مقام زن، سیدعلی کمالی، ص ۲۶). بررسی آیهات قرآن کریم نشان می دهد همه انسان ها از هر صنف خواه زن و خواه مرد از یک ذات و گوهر خلق شده اند. زن، مشارکت، توسعه، اکرم قدیمی، حق زن در اسلام:

در قرآن مجید، سومین سوره مفصل، به نام زنان (النساء) نامیده شده است. در ده سوره دیگر از قرآن، مسجد مسائلی مربوط به "حقوق" و "منازات زنان" هست. پیش از اسلام، هیچ قانونی از قوانین اجتماعات متدین و بزرگ، درباره ارزش واقعی زن، حفظ کرامات و حقوق او، تفصیلات فلسفی و روانی و مواد قانونی وجود ندارد. (قرآن و مقام زن، سیدعلی کمالی، ص ۲۵) دفاع از حقوق زنان، اعطای مقام کوثر به دختر پیامبر و اعطای حق رای به زن نمایانگر اهمیت تقریباً مساوی زنان و مردان در این فرهنگ می باشد. (زن، مشارکت، توسعه، اکرم قدیمی، ص ۳۴). پیامبر اسلام می فرماید: "هریک از زن یا مرد مروجات آزار و بیادبگری را فراهم کند خداوند نه نماز و نه هیچ عمل خیری را از آنان قبول نمی کند" (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۶). اسلام برای تمام زنان های زن که در خانه همسر انجام می دهد، ارجح می نهد تا آنجا که امام صادق علیه السلام می فرماید: "کیوان آبی که خردنی به همسر می دهد از یک سال عبادت شب و سحر خیزی که روزش را روزه بگیرد، نزد خدا بهتر است" (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۳). کسانی که در اداره زندگی بی تفاوت هستند و همسران خود را همچنان رها و معطل و حقوق آنان را تضییع می نمایند، مورد لعنت پیشوایان معصوم قرار گرفته اند. ملعون ملعون من ضعیف من یعزل. (همان، ص ۱۱۲)

سب نزول این آیه آن بود که سعد بن ربیع که از اکابر انصار بود نشوز و نافرمانی او کرد. زن او پیغمبر دختر زید این او زهر و سم سبیلی بر روی او زد پدر او زهر بسیار را نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم برد و گفت با رسول الله سعد دختر مرا که زن اوست سبیلی

زده است. پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که دختر تو فضاصل کند شوهر خود را و سبیلی بر روی او زند و چون ایشان بیرون شدند که فضاصل کنند این آیه نازل شد.

و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم گفت که برگردید که این است چیزی تل علیها السلام آمده است و این آیه خود را آورده است بعد از آن فرمود که ما چیزی اراده کردیم و خدای تعالی چیز دیگری اراده کرده و آنچه خدای تعالی اراده کرده است بهتر است و فضاصل را از سعد برداشت. (الجرجانی، آیات الاحکام، ج ۲، ص ۳۲۴)

مخالفان زن بنا بر شیوه استدلال دو دسته اند: الف، حمل "ضرب" بر معنای "گوری کردن" است. چگونه در قرآن حکم به تنبیه بدنی زن داده شد، در حالی که خداوند به مردان فرمان می دهد که با زنان خود به نیکی رفتار نمایند؛ و عاشروهن بالمعروف و رویات بسیار از پیامبر اسلام در مورد مهریانی و عطفوت به زنان وارد شده و مردان را از زدن زنان بازدارده، مانند این روایت که پیامبر فرمود: "بغضب احکم المرءه ثم یصل معانقها (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۹) آیا زن آن را کتک می زند، سپس می خواهد یا او هم آغوش بدهد؟!". برخی اسلام پژوهان تنبیه را روا نمی دانند و آن را انکار کرده اند. (التحریر و التدریس، ج ۵، ص ۳۳)

ابن ابی نمیه ضرب به معنای تنبیه و ترک زدن برای مدتی محدود است. قاضی ابوبکر دربار آیه می گوید: "زنی را کتک نزنند و اگر به وی امر و نهی کردی، ولی او اطاعت نکند، فقط بر او خشم گیرد". (احکام القرآن، ابن عربی، ج ۱، ص ۲۴۰) یعنی معتقد است از نظر خداوند، ضرب (زدن) مباحی ناخوشایند است، نه اینکه باید به کار گرفته شود. واژه (ضرب) در قرآن حدود ۱۰ بار به کار رفته شده که معنای آن در همه جا یکسان نیست بلکه دستکم در قرآن برای آن پنج معنای متفاوت وجود دارد: "قراردادن" "توضیح کردن" "مقرر نمودن" "چشم پوشی و نادیده گرفتن" و "روی برگرداندن و دوری گردیدن" اندکی تامل در مفهوم این آیه، تردیدی باقی نمی گذارد که "ضرب" در این آیه نمی تواند "تنبیه و عقوبت" کتک زدن باشد. بلکه تنبیه مفهوم مناسب برای آن "اعراض کردن و دوری گردیدن" می باشد. چرا که موضوع

این آیه، اختلافات زن و شوهر است و به طور خاص به مسئله نادیده گرفتن حقوق همسری (ناشویی) از سوی زن پرداخته می گوید؛ و هرگاه از تضییع حقوق خود از سوی زنان نگران می باشید، (با آنان گفتگو کنید و آنان را بند و اندرز دهید و اگر اثر نبخشد؛ در بستر مشترک، که از آنها فاصله بگیرید ایودن آنکه بستر خواب خود را جدا کنید و چنان که باز اثر نبخشد؛ از آنان دوری گزینید و اگر چنان که باز اثر نبخشد؛ و حق شما را ادا نکنند، شما حق هیچ گونه ستم و ظلمی را بر آنها ندارید". ملاحظه می شود که اگر به جای (دوری گردیدن) از کتک زدن) استفاده شود، هرگز با لحن آیه و ترتیب منطقی راه حل های ارائه شده هیچ گونه تناسب و سازگاری ندارد. در حالی که قرآن پس از عدم تأثیر گفتگو و بند اندرز دادن، حتی به مردان، اجازه جدا کردن بستر خواب را هم نمی دهد. کلیه مفسران قرآن و لغت شناسان عرب در توجیه این قسمت آیه تصریح کرده اند که "واضربوهن فی المضاجع" به این معناست که در حالی که در یک بستر خواب هستید از زنان فاصله بگیرید. یعنی حتی در این مرحله توصیه می کند بستر خواب را

و تحقیر و سرزنش شان نکند. اگر زدن و آزار جسمی و روحی خواسته خدا و راه حلی نمرخشد بود، پیامبر نخستین کسی بود که به دستور خدا عمل می کرد اما کسی را نزد و بدان اجازه با دستور نداد.

ب) معدود بودن حکم به زنا: سوال این است آیا نمی باید شرایط اجتماعی، سیاسی و مردم شناسانه را که بر آیه چیره بود و سبب صدور چنین حکمی شد، در نظر گرفت؟ اگر بپذیریم روادارستان تنبیه بدنی آن هم پس از مراحل و شرایطی - که در آیه بیان شده - برای برهه و اوضاع خاصی بود، می توان نتیجه گرفت: هرگاه این وضع از بین رود، حکم نیز از میان خواهد رفت. چنین برداشتی نه از ارزش آیه می کاهد و نه تفسیری فراتر از اهداف سازنده و مثبت و بشر دوستانه قرآن است. این فهم از آیه اگرچه مطابق با ظاهر آیه قرآن نیست، اما با آیاتی که فرمان برخورد نیک با همسر می دهد و پیوند بین زن و مرد را مودت و دوستی و رحمت می داند، سازگارتر می نماید. موافقان زدن: همه مفسرین و فقهای شیعه که موافق زدن هستند

خداوند به مردان فرمان می دهد که با زنان خود به نیکی رفتار نمایند؛ و عاشروهن بالمعروف. روایات بسیار از پیامبر اسلام در مورد مهریانی و عطفوت به زنان وارد شده و مردان را از زدن زنان بازدارده است

امام صادق علیه السلام می فرماید: "کیوان آبی که زن به همسر می دهد از یک سال عبادت شب و سحر خیزی که روزش را روزه بگیرد، نزد خدا بهتر است"

آن را تادیب دانسته و فترا به ملایم بودن آن داده اند؛ فقیهان (بترجمه به فهم و فرهنگ مردم و جامعه) حکم به تنبیه بدنی همسر کردند اما آن را مفید ساختند که "خون آلود نباشد" و "عضوی را نشکنند و اثری به جا نگذارند". (تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۵۰۴) از نظر برخی اسلام شناسان کتک زدن می باید با پارچه به هم تنبیه و یا با دست باشد. نه با تازیانه و عصا. (تفسیر الکبیر، ج ۱، ص ۱۸۷) در آیه ۲۴ سوره ص آمده است: "وخذ بیدک وضعا و لا تحسبه؛ به ایوب گفتیم؛

بسته ای از ساقه های گندم (با مانند آن مثل شاخه نازک خرما)؛ با برگی و با آن (همسرت) را بزین و سوگند خود متشکن. زدن همسر توسط حضرت ایوب، خطا و جرم بر ضد زن شمرده نمی شد چون اذیت و آزاری نداد و تحقیر نشد. واجب است بر زنان اطاعت امر و نهی ایشان در لوازم تکلیف و جایز نیست زنان را نشوز و نافرمانی شوهران خود و جایز است شوهران را تادیب و اذیت ایشان بر تقدیر نشوز" (آیات الاحکام (الجرجانی)، ج ۲، ص ۳۲۵). تنبیه بدنی در اینجا - همان طور که در کتب فقهی نیز آمده است - باید ملایم و خفیف باشد به طوری که نه موجب شگستگی و نه مجروح شدن گردد و نه باعث کودبی بدن (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۷۳) "واضربوهن" اگر مراحل قبلی مفید نیفتاد آنها را بزنید بین این موارد باید به ترتیب عمل کرد. (ترجمه بیان السعاده، ج ۲، ص ۵۸) اول او را موعظه کنید، اگر موعظه اثر نگذاشت با او قهر کنید، و رخصتوانان را جدا سازید و اگر این نیز مفید واقع نشد، او را بزنید. (ترجمه المیران، ج ۴، ص ۵۲۶). در تفسیر کلی از ابن عباس نقل کرده است که زن، زان را به کتاب خدا موعظه کنید و به او بگویید که از خدا بترسد و از شما اطاعت کند، اگر قبول نکرد با او درشتی کنید و به طوری او را بزنید که بدنش زخم نشود و استخوانش شکسته نشود. از امام باقر نقل شده که منظور، زدن با مسواک است. (ترجمه فی البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۱۳) "مفسر از اضریرهون، زدن با چوب مسواک و شیبه آن است، زنی که از روی رفق و دوستی باشد" (تفسیر نور، ج ۲، ص ۲۸۲). قضیه زدن صرفا به حالت نشوز مرتبط است که زن به حق شوهر خود ملزم نیست. این زدن برای بازگرداندن زن به التزامات زناشویی است نه برای ادب کردن او. (علامه فضل الله، سایت بیات) معنای خوف در آیه علم است و مرد حق دارد با تحقق نشوز یکی از امور سه گانه در آیه را انتخاب نماید. (ابن حنبله، متقول از جواهر الکلام، ج ۳، ص ۲۰۳)

بازند، مگر در یک صورت و آن نشوز زن است. نشوز به صرف بروز یک حالت روانی زودگذر صدق نمی کند، بلکه لغت شناسان آن را به کینه تری، جفا و عصبانیت معنی کرده اند. نشوز این است که زن پس از عیان شدن عقده به مرد اجازه از دیگری با خودش را ندهد. مسئله جنسی در زندگی زناشویی حق و طرف است. اگر زنی از انجام کارهای خانه، جفا دهد و ... سرباز زند نشوز می کشد هیچ حق برای مرد در برابر آن قرار نداده و لذا مرد نمی تواند در این موارد واکنش نشان دهد. بنابر این آیه فوق در مورد بسیاری از مسائل اختلافی زوجین ساکت است. "طبق عقد ازدواج مرد حق ندارد که برای تادیب، زن را بزند بلکه باید او را نصیحت و موعظه کند. اما قضیه زدن صرفا به حالت نشوز مرتبط است که زن به حق شوهر خود ملزم نیست. این زدن برای بازگرداندن زن به التزامات زناشویی است نه برای ادب کردن او. (علامه فضل الله، سایت بیات) او در این جهت ندارد در صورت نیاز جنسی داشتن زنان، امر از او حشش باز دارد. امر از او حشش داشتن مضامع پشت گردانیدن است به سوی ایشان در یک فراموشی با نزدیکان زن است ایشان - و اضریرهون یعنی زدن غیر تنبیه. زنی که هدف آن این است که زنی به التزامات زناشویی خود بازگردد - "سرود" از ضرب زدن است که گوشت را مجروح نگرداند و استخوان را نشکند" (آیات الاحکام (الجرجانی)، ج ۲، ص ۳۲۴). ممکن است بعضی ها چنین بگویند که به جای زدن زن بهتر است به دادگاه بروند. ولی در چنین قضایای حساسی، عملی مشاور است که دادگاه بتواند فشار صورت دهد. اگر فرضا زن نمرت کند با آن دادگاه نیروی پلیس به اتاق خواب می فرستد مشکل آن دورا حل کند؟ وسیله ای وجود ندارد که زن را به التزامات زناشویی که در ضمن عقد بدان ملزم شده است بازگرداند مگر به گونه ای که در پیش بدان اشاره شد.

در مورد اینکه آیا موارد سه گانه مذکور در آیه (وعظ، هجر، ضرب) باید به ترتیب اعمال گردد، یا اینکه انتخاب یکی از آنها از حقوق شوهر است که از بین آنها انتخاب می نماید و یا اینکه بستگی به شدت نشوز دارد؛ بین علمای اسلام اختلاف وجود دارد. عده ای قائل به ترتیب هستند و به قاعده ترتیب در نهی از منکر استناد می کنند (نظریه ترتیب)؛ آضریوهن اگر مراحل قبلی مفید نیفتاد آنها را بزنید بین این موارد باید به ترتیب عمل کرد. (ترجمه بیان السعاده، ج ۴، ص ۵۸) آیه، مسئله تنبیه بدنی را در مورد افراد وظیفه شناسی مجاز شمرده که هیچ وسیله دیگری در باره آنان مفید واقع نشود (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۷۳) گویا اینکه این راه های علاج با حرف و او به یکدیگر عطف شده و حرف و او دلالتی بر ترتیب ندارد، ولی از معنای آیه می دانیم که بین این سه علاج ترتیب هست (ترجمه المیزان، ج ۴، ص ۵۴۶)

نخست آنها را نصیحت کنید و اگر نصیحت، موثر واقع نشود، آنها را در بسترشان تنها گذارید (ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۳۶) در وهله نخست پند و اندرز دهید. (استاد جعفری و شخصیت اسلامی زن، کتاب نقد، ش ۱۲، صص ۲۶۵ و ۲۶۴) تا موعظه موثر باشد، قهر و خشونت ممنوع و تا قهر و جدایی موقت اثر کند، تنبیه بدنی

نگوهِش تنبیه بدنی زن در اسلام

ممنوع است. "عظهن و اهجروهن"، "واضریوهن" (تفسیر نور، ج ۲، ص ۲۸۵) برخی نیز ترتیب را مختص به خوف نشوز می دانند. ولیکن در صورت نشوز قائل به تخیر برای شوهر می باشند (نظریه تخیر) و قال آخرون: هذا الترتیب مراعی عند خوف النشوز، اما عند تحقق النشوز فلا یاس بالجمع بین الکل (مفاتیح الغیب، ج ۱۰، ص ۷۳) برخی دیگر احتمال تخیر داده اند؛ معنای خوف در آیه علم است و مرد حق دارد با تحقق نشوز یکی از امور سه گانه در آیه را انتخاب نماید. (ابن جنید، منقول از جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۲۰۳) برخی بین خوف از نشوز و بروز امارات نشوز و تحقق نشوز تفکیک کرده اند (نظریه تفصیل)

در خوف از نشوز باید به دلیل وجود اجماع و قاعده عدم جواز عقوبت مگر به فعل حرام و ظاهر آیه ترتیب رعایت گردد و در صورت بروز امارات نشوز و عجز و هجر برخلاف ضرب جایز نیست. ولیکن با تحقق نشوز تخیر ملاحظه است. (المبسوط والقواعد، منقول از جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۲۰۲) درباره حد و چگونگی زدن، علامه مجلسی (ره) در بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۵۸۰ روایتی از فقه الرضاع نقل نموده است که "والضرب بالسواک و شبهه ضرباً

رفیقاً؛ زدن با وسایلی مانند چوب مسواک و امثال آن باشد آن هم با مدارا و ملایمت. "ظاهر روایت فوق به خوبی نشان می دهد که ضرب باید در پایین ترین حد ممکن باشد و هرگز نباید اندک آسیبی بر بدن وارد کند. وسیله ای که در این روایت اشاره شده چوبی بسیار نازک مانند چوب سیگار، سبک و کم ضربه است. این نوع ضرب کمترین نوع هاست. (جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۲۰۶)

روانکاوان امروز معتقدند که جمعی از زنان دارای حالتی بنام "مازوشیسم" (آزار طلبی) هستند و گاه که این حالت در آنها تشدید می شود تنها راه آرامش آنان تنبیه مختصر بدنی است، و بنابراین ممکن است ناظر به چنین افرادی باشد که تنبیه خفیف بدنی در مورد آنان جنبه آرام بخشی دارد و یک نوع درمان روانی است. نکته دیگری که از آیه به دست می آید این است که دستور فوق جنبه موقت و گذرا دارد و نباید به آن مداومت بخشید.

نتیجه گیری:

۱) در نظر دلایل مخالفان زدن: تفسیر کلمه "ضرب" به دوری گزیدن خلاف ظاهر است و نیاز به دلیل دارد که دلایل مطروح کافی نیست. حمل معنای زدن بر ضرب که با عرف مطابقت می کند، با روایات

وارده تأیید گردیده است. زدن زن حقی است که اخلاق خلاف آن را حکم می کند فلذا پیامبر اکرم به جای زدن زنان خود در صورت نشوز از آنان دوری می گزید. از آنجا که ظلم کردن و آزار رساندن حرام است زدن باید ملایم بوده تا حق شوهر و مصلحت خانواده رعایت گردد. جلد به معنای زدن با تازیانه است پس ضرب طبق اصل، ظهور در زدن دارد و در آخر به دلیل وجود اصل "محدود نشدن آیه به شان نزول آن" و اصل نزول قرآن برای همه زمان ها، این آیه محدود به زمان خاصی نمی گردد. قرآن برای آنکه راه هرگونه سوء استفاده را مسدود نماید، هشدار می دهد که برخی از گمراهان و بیماران بدانند که در صدد توجیه رفتارهای ناپسند خود هستند به ظاهر این آیه استناد می کنند حال آنکه استناد به ظاهر این آیه موجب فساد و گمراهی خواهد شد. متأسفانه این هشدار آشکار هم از سوی برخی از مسلمانان و هم از سوی برخی از غیر مسلمانان مورد بی توجهی قرار گرفته و گویا اساساً چنین تصریحی در قرآن وجود ندارد. بی تردید اگر مسئله تفسیر پذیر می بود مقدس نادیده گرفته شود، ظواهر همه متون مقدس ادیان مختلف می توانند حتی دستاویز خشونت و جنایت قرار گیرند.

۲) مراد از خوف نشوز ظهور علائم آن است و ضرب از باب تذکر و نهی از منکر تکلیفی برعهده مرد است. مراحل سه گانه مطابق سیاق آیه باید به ترتیب اجرا شود و نیز تذکر و نهی از منکر مستلزم رعایت مراتب آن می باشد.

۳) زدن باید ملایم بوده به نحوی که مستوجب دیه علیه مرد نگردد. و نیز چون حل مسائل خانوادگی تا آنجا که امکان دارد، در درون خانه و به طور محرمانه واجب است؛ زدن از باب تذکر که آزار به زن تلقی نمی گردد مطابق عدل است که خدا بر آن حکم می کند "قل امر ربی بالقسط". به علاوه مسئله تنبیه بدنی در مورد افراد وظیفه شناس مجاز شمرده که هیچ وسیله دیگر درباره آنان مفید واقع نشود و اتفاقاً این موضوع تازه ای نیست که منحصر به اسلام باشد، در تمام قوانین دنیا هنگامی که طرق مسالمت آمیز برای وادار کردن افراد به انجام وظیفه، موثر واقع نشود، متوسل به خشونت می شوند، نه تنها از طریق ضرب بلکه گاهی در موارد خاصی مجازات هایی شدیدتر از آن نیز قائل می شوند که تا سرحد اعدام پیش می رود. البته حق زدن زن تنها در صورت نشوز، و نه در مورد هیچ امر دیگری، یک امتیاز ویژه و استثنایی برای مرد به عنوان رئیس خانواده است که نباید آن را برای زنان نیز گسترش داد.